

The Role of Science Diplomacy in Managing International Crises: A Case Study of Iran's Nuclear Issue

Farzad Rostami*¹ 

Forouzan Marzbani² 

Atefeh Ahmadi³ 

Received: 2025-02-05

Revised: 2025-05-01

Accepted: 2026-08-22

Available Online: 2026-09-16

How to cite this article:

Rostami, F.; Marzbani, F.; Ahmadi, A. (2026). The Role of Science Diplomacy in Managing International Crises: A Case Study of Iran's Nuclear Issue. *Iranian Research Letter of International Politics*, 14(02), 193 - 214 (in Persian with English abstract)
<https://doi.org/10.22067/irlip.2026.92048.1626>

Extended abstract

1. INTRODUCTION

In the contemporary world, the nature of power and its instruments has undergone a fundamental transformation, shifting the focus from hard power to soft power, particularly public and cultural diplomacy. Within this landscape, science (or academic) diplomacy, as a novel subset of soft power, has played an increasingly prominent role in international relations and states' foreign policies. By fostering scientific collaborations, academic exchanges, joint research initiatives, and scholarly dialogues, this form of diplomacy creates new avenues for mitigating tensions and advancing national interests on the global stage. In this study, science diplomacy is analyzed as a tool for managing Iran's nuclear crisis and de-escalating tensions between the Islamic Republic of Iran and the United States.

2. THEORETICAL FRAMEWORK

The theoretical framework of this study is grounded in Joseph Nye's soft power theory. Soft power refers to the ability to attract and persuade others through intangible assets such as culture, values, institutions, and legitimate policies. In this context, science diplomacy, as a manifestation of soft power, leverages scientific capacities, academic collaborations, scientific elites, and cutting-edge technologies to create a platform for indirect influence in international relations. The use of science as a foreign policy tool and a facilitator of international communication plays a pivotal role in mitigating security sensitivities and fostering trust among nations.

-
1. Associate Professor, Department of Political Science, Razi University, Kermanshah, Iran. (Corresponding author email: f.rostami1361@gmail.com)
 2. PhD Student in Political Sociology, Razi University, Kermanshah, Iran.
 3. MA in International Relations, Razi University, Kermanshah, Iran.

3. METHODOLOGY

The methodology employed in this study is descriptive-analytical, based on an examination of documents, reports, domestic and international scientific sources, articles, and research data. Data collection was conducted through library and online research, with an effort to adopt an interdisciplinary approach to explore the various dimensions of science diplomacy in Iran's nuclear case. Furthermore, the case study of Iran's nuclear issue, as a prominent example of an international crisis with political, legal, and security dimensions, has provided a foundation for more nuanced analysis.

4. RESULTS & DISCUSSION

The findings of the study indicate that science diplomacy can play a role in crisis management at three primary levels:

De-escalation of political-security tensions: By activating scientific and academic relations between Iran and other countries, particularly the United States, it became possible to reduce tensions and mitigate the securitization of the nuclear issue. Research collaborations between Iranian and American scientists, even during periods of heightened tensions, functioned as parallel and unofficial channels for political engagement.

Creating opportunities for scientific and academic elites to play a role: The participation of experts in scientific negotiations, such as the contributions of Ali Akbar Salehi and Ernest Moniz in the JCPOA, demonstrated that scientific knowledge and expertise can influence diplomatic negotiations and political decision-making.

Engaging key societal reference groups through specialized needs: Science diplomacy has been able to influence reference groups such as universities, specialized media, students, and scientific institutions, shifting international public perception from viewing Iran's nuclear program as a "threat" to a "cooperation opportunity." In this context, the JCPOA itself was one of the outcomes of leveraging science diplomacy to neutralize the securitization process surrounding Iran's nuclear activities.

5. CONCLUSIONS & SUGGESTIONS

The present research demonstrates that science diplomacy is not only an effective tool in the realm of soft power but can also play a key role in processes of desecuritization and normalization of international relations. Iran's nuclear case illustrates that in cases where traditional diplomatic tools and political pressures have failed, scientific interactions can pave the way for dialogue and compromise. Expanding academic collaborations, facilitating scientific exchanges, supporting joint research projects, and investing in higher education can become instruments for influencing foreign policy. The main conclusion is that in the face of complex, multidimensional crises, science diplomacy can serve as a bridge connecting policy and civil society, security and development, and discord and mutual understanding. Therefore, the smart and targeted utilization of science diplomacy capacities at national and international levels can serve as a strategic tool for enhancing international standing, reducing tensions, and achieving sustainable peace.

Key Words: science diplomacy, international relations, JCPOA, United States, Iran



جایگاه دیپلماسی علمی در مدیریت بحران‌های بین‌المللی (مطالعه موردی پرونده هسته‌ای ایران)

فرزاد رستمی^{۱*}

فروزان مرزبانی^۲

عاطفه احمدی^۳

چکیده

بحران‌ها و کنترل آن‌ها همواره یکی از معضلات اصلی کشورها و بازیگران بین‌المللی در عرصه سیاست خارجی بوده‌اند و در طول دوران‌های متمادی، از روش‌های گوناگونی برای کنترل بحران‌های بین‌المللی بهره گرفته شده است. امروزه یکی از نوآورانه‌ترین راه‌های کنترل بحران‌های بین‌المللی، بهره‌گیری از دیپلماسی علمی است. در همین راستا، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که دیپلماسی علمی چه جایگاهی در کنترل بحران ناشی از پرونده هسته‌ای ایران و تنش با آمریکا داشته است. با بهره‌گیری از چارچوب نظری قدرت نرم، این فرضیه مطرح می‌شود که دیپلماسی علمی، از طریق کارویژه‌هایی همچون حساسیت‌زدایی از روابط سیاسی امنیتی، فرصت‌سازی برای نقش‌آفرینی نخبگان علمی و دانشگاهی، و مخاطب‌سازی گروه‌های مرجع اجتماعی بر محور نیازهای تخصصی، می‌تواند به کنترل این بحران کمک کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که به‌واسطه دیپلماسی علمی، امکان تعامل میان بازیگران متعدد فراهم می‌شود و در جریان پرونده هسته‌ای ایران نیز این نوع دیپلماسی می‌تواند از تبدیل شدن این مسئله به یک موضوع صرفاً امنیتی جلوگیری کرده و ابعاد سیاسی آن را پررنگ‌تر از بعد امنیتی سازد.

در این مقاله، از روش توصیفی تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای و اینترنتی برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است.

واژگان کلیدی: دیپلماسی علمی، روابط بین‌الملل، برجام، آمریکا، ایران

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول) f.rostami1361@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

۳. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

۱-مقدمه

در عصر پساوستفالیایی عموماً روابط میان دولت‌ها و تلاش آن‌ها برای متأثر ساختن دیگر کشورها از حوزه قدرت سخت خارج شده و وارد حیطه‌ای از قدرت نرم گردید. حوزه‌ای که با حذف عناصر نظامی به دنبال متأثر کردن دیگر کشورها از طریق ابزارهای متفاوت دیپلماسی عمومی بود. در همین راستا روزبه‌روز کشورها به دنبال گسترش نفوذ و تسلط خود بر این حوزه از دیپلماسی بودند. درواقع دیپلماسی عمومی با ورود به حوزه‌های متفاوت جامعه ازجمله فرهنگ و ارزش‌های جامعه، حوزه‌های آکادمیک و رسانه‌ها عرصه‌ای گسترده برای اقدامات دولت‌ها در دیگر کشورها نمایان ساخت. از میان حوزه‌های متفاوت دیپلماسی عمومی، دیپلماسی علمی در سال‌های اخیر موردتوجه بازیگران عرصه بین‌الملل بوده است.

این حوزه با استفاده از ابزار علم و فناوری از طرفی سبب جذب نخبگان دیگر کشورها و نفوذ علمی در آن مناطق خواهد شد و از طرفی نیز با افزایش سطح علمی و فناوری کشور سبب توسعه کشورها در این حوزه‌ها خواهد شد. بنابراین این عرصه ضمن افزایش سطح توسعه و پیشرفت کشور سبب نفوذ فرهنگی و علمی در دیگر کشورها نیز خواهد شد.

دیپلماسی علمی حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، علم و فناوری، حقوق و ارتباطات را به‌طور گسترده متأثر ساخته و راه گشای اقدامات بازیگران عرصه بین‌الملل در نفوذ در کشورهای متعدد بدون اقدامات قهری و نظامی بوده است. جذب دانشجویان متعدد و صادرات محصولات ناشی از پیشرفت و توسعه علم و فناوری، بیش از عوامل فرهنگی، کشورها را تبدیل به قطب جذاب مهاجرت نخبگان خواهد کرد. از طرفی توسعه و پیشرفت علم و فناوری سبب پیشرفت کشور در حوزه اقتصادی خواهد شد که در عصر کنونی یکی از معیارهای مهم در تعیین قطب‌های قدرت بین‌المللی می‌باشد. از طرفی جذب نخبگان و دانشجویان سبب متأثر ساختن ارزش‌ها و اصول فرهنگی جامعه هدف خواهد شد. در همین راستا طی سال‌های اخیر با شکل‌گیری مناسبات گوناگون میان کشورها، دیپلماسی آکادمیک به‌عنوان ابزاری در عرصه ارتباطات به‌کار گرفته شده است. درواقع با استفاده از این ابزار دیپلماسی در روابط میان بازیگران عرصه بین‌الملل می‌توان بحران‌های متعدد را در عرصه‌ی روابط خارجی به کنترل درآورد و با ورود نخبگان و اندیشمندان به حوزه نظریه‌پردازی در مورد این بحران‌ها، به راهکارهای متعدد در عرصه‌های گوناگون رسید و از همین راستا مدیریت بحران سریع‌تر صورت گرفته و از نفوذ و گسترش بحران جلوگیری شود در این راستا در پی پاسخ‌گویی به این پرسش برآمده که دیپلماسی علمی چه جایگاهی در کنترل بحران ناشی از پرونده هسته‌ای ایران و تنش با آمریکا داشته است؟ و در پاسخ این فرضیه مطرح شده است که دیپلماسی علمی با بهره‌گیری از کار ویژه‌های حساسیت‌زدایی از روابط سیاسی-امنیتی، فرصت‌سازی برای نقش‌آفرینی نخبگان علمی و دانشگاهی و مخاطب‌سازی گروه‌های مرجع اجتماعی بر محور نیازهای تخصصی به کنترل این بحران می‌تواند کمک کند و به لحاظ سازماندهی مقاله نویسنندگان نخست نگاهی تاریخی به رابطه دیپلماسی آکادمیک و روابط بین‌الملل داشته و پس از آن سازوکارهای دیپلماسی آکادمیک، جایگاه دیپلماسی آکادمیک در سیاست خارجی و شیوه نقش‌آفرینی دیپلماسی آکادمیک در کنترل بحران‌های بین‌المللی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۲- پیشینه پژوهش

تاکنون دیپلماسی علمی از منظرهای گوناگونی بررسی شده است با این حال به نقشی که دیپلماسی آکادمیک در کنترل بحران‌های بین‌المللی قادر به ایفا کردن است توجه نگردیده است، در ذیل به برخی از مهم‌ترین این آثار پرداخته شده است.

بدینگتون (۲۰۱۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «دیپلماسی برای مردم» به همکاری‌های دانشگاهی در اجرای طرح‌های بزرگ بین‌المللی می‌پردازد و بیان می‌دارد که در این طرح‌های بزرگ با توجه به بالا بودن ریسک و هزینه‌ها برای پیشبرد این برنامه‌ها به دانش سیاسی و دانش تخصصی در این زمینه به صورت هم‌زمان نیاز می‌باشد و دانش تخصصی پیش‌نیاز پیشبرد سیاست خارجی کشورها می‌باشد.

میلر و دیگران (۲۰۱۳) نیز در مقاله‌ای با عنوان «درس‌هایی برای نجات دیپلماسی آکادمیک» به بررسی چگونگی چالش‌های بین‌المللی می‌پردازد و بر این نظر است که همکاری در اجرای طرح‌های نوآورانه در سطح بین‌المللی برای حل معضلات و چالش‌های مشترک باید در فهرست اولویت‌های نظام آموزش عالی کشورها در جهت پیشبرد سیاست خارجی قرار گیرد.

مهدشاه و هاشم (۲۰۱۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «پیشبرد دیپلماسی علمی قطب جنوب فراتر از مرزهای سنتی در تدوین قانون حفاظت از محیط‌زیست» به بررسی عوامل تأثیرگذار در حل مشکلات زیست‌محیطی قاره اقیانوسیه پرداخته و همکاری دانشگاه نیوزلند و سیاست‌مداران این قاره را در حل مشکلات زیست‌محیطی منطقه بسیار مهم تلقی کرده‌اند و معتقدند با توسعه دیپلماسی علم و فناوری مجریان طرح‌های علمی خواهند توانست منابع بیشتری را از بخش‌های دولتی و خصوصی به دست آورد.

کوهکن (۱۴۰۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «جایگاه دیپلماسی علمی در سیاست خارجی» پیشنهادهایی برای دولت سیزدهم در جهات بهره‌گیری از دیپلماسی علمی ارائه داده است و بیان می‌دارد که عملکرد جمهوری اسلامی ایران در گسترش روابط سیاسی مستحکم با کشورهای دوست، محصول به‌کارگیری دیپلماسی علمی بوده است و این توان با توجه به گسترش علم در جامعه ایران و به‌ویژه پیشرفت در فناوری‌های روزبه‌روز بیشتر خواهد شد.

دهشیری و طاهری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «دیپلماسی آموزشی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی» به میران تأثیرگذاری نخبگان و تحصیل‌کردگان در ساخت سیاست خارجی یک کشور پرداخته‌اند و معتقدند که با توجه به زمینه‌های فرهنگی مشترک بین دو منطقه و با بهره‌گیری از آموزش عالی به‌ویژه در عرصه تبادلات دانشگاهی با استفاده از دیپلماسی آکادمیک روابط دو منطقه ارتقا یابد.

دیپلماسی آکادمیک به عنوان یکی از شاخص‌های مهم قدرت نرم در میان پژوهش‌ها و تحقیقات مختلف مغفول مانده و آن گونه باید و شاید به آن توجه نگردیده است علی‌الخصوص به تأثیری که دیپلماسی علمی در سیاست خارجی می‌تواند داشته باشد توجه نگردیده و در پژوهش‌هایی که مورد بررسی قرار گرفت صرفاً توجه به سمت تعریف و روشن سازی این مفهوم بوده است و نه بررسی تأثیرات آن در ابعاد مختلف لذا می‌توان نوآوری و وجه تمایز پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌های نام برده را در اهمیتی که پژوهش فوق به تأثیر دیپلماسی در سیاست خارجی دارد، دانست و همچنین بررسی این تأثیر در پرونده هسته‌ای دیگر بعد

متمایزکننده پژوهش فوق از پژوهش‌های گذشته می باشد.

۳- چارچوب مفهومی

قدرت نرم به دنبال راه‌های جایگزین برای نفوذ در امور جهانی است. از طریق تاریک‌ترین اقدامات، نیت و منابع مربوط به جنگ نیست که ما می‌توانیم به امنیت دست یابیم. بلکه از طریق ویژگی‌ها و اقداماتی است که در حالتی دلپذیرتر تثبیت شده‌اند. اندیشمندان بزرگ و ایدئال‌گرایان بزرگ همیشه امیدوار بودند که دیپلماسی این نقش را در رهایی ما از سیاست قدرت ایفا کند. (Gallarotti, 2022: 384) مفهوم قدرت نرم به ابزاری در دنیای روابط بین الملل و دیپلماسی معاصر تبدیل شده است. با وجودی که این مفهوم توسط دانشکند علوم سیاسی جوزف نای معرفی شد، نبود یک تعریف به‌طور گسترده پذیرفته شده و تحقیقات تجربی و شکاف‌های موجود در مطالعه قدرت نرم با این وجود، اهمیت قدرت نرم غیر قابل انکار است به خصوص که ساختارهای سنتی قدرت به چالش کشیده می‌شوند. (E.Saaida, 2023: 3120) قدرت نرم، توانایی ایجاد اولویت‌ها از طریق امتیازهای غیرملموس، مثل شخصیت، فرهنگ، نهادها و ارزش‌های سیاسی و سیاست‌هایی که مشروع و قانونی هستند و اقتدار اخلاقی دارند، می‌باشد. قدرت نرم یک کشور اساساً بر سه منبع استوار می‌شود؛ فرهنگ آن کشور، به شکلی که برای بازیگران دیگر جذاب است، سیاست‌های خارجی آن کشور، زمانی که مشروع جلوه کنند و دارای مشروعیت اخلاقی نیز باشند. ارزش‌های سیاسی آن کشور، زمانی که در داخل و خارج ملموس باشد. یکی از منابع قدرت نرم فرهنگ است و جاذبه‌هایی را ایجاد می‌کند که از طریق رأی‌گیری از مردم یا گروه‌های متمرکز مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. اینکه آیا این جاذبه‌ها سیاست‌های دلخواه را به وجود می‌آورد باید در موارد خاص مورد ارزیابی قرار گیرد. شکاف میان قدرت ارزیابی‌شده به‌عنوان قدرت منابع و قدرت دآوری شده به‌عنوان قدرت رفتاری منحصر به قدرت نرم نیست بلکه در همه اشکال قدرت رخ می‌دهد. تفاوت میان قدرت منابع و قدرت رفتاری برای فهم رابطه میان قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی مهم است. با این حال با وجود تاریخ غنی قدرت نرم، می‌توان ادعا کرد که ما شاهد افزایش توجه به قدرت نرم در روابط بین الملل از پایان جنگ سرد بوده ایم. در این مدت، بسیاری از تعاملات روابط بین الملل حول محور کمک‌های نظامی و اقتصادی بود. ایالات متحده و همچنین اتحاد جماهیر شوروی، هر یک از چنین انگیزه‌هایی برای جذب متحدان در تعقیب سیستم‌های اقتصادی و دولتی مطلوب خود استفاده کردند. با وجود سقوط اتحاد جماهیر شوروی و هزینه‌های اقتصادی و نظامی برای ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی، ایالات متحده به‌عنوان برخاسته از جنگ سرد تلقی می‌شد که لزوماً از نظر نظامی یا اقتصادی قدرتمندتر از سال‌های قبل نبود، بلکه ایالات متحده در قدرت نرم رشد کرده است. (International Relations.org. 2000) در سیاست بین‌الملل منابعی که قدرت نرم را ایجاد می‌کنند از ارزش‌های یک سازمان یا یک کشور که در فرهنگش اعمال می‌کند، برای مثال از طریق اعمال و سیاست‌های داخلی‌اش و روشی که در روابطش با دیگر کشورها رفتار می‌کند، ناشی می‌شود. کشورهای قدرتمند بر پایه جنگ نرم با ورود به حوزه‌های مختلفی مانند آموزش، علم، موسیقی، فیلم، کتاب و سبک زندگی با ایجاد جذابیت رفتار و سبکی را به مردم و حاکمان کشورهای هدف تعریف می‌کنند که خود خواهان

آن می‌باشند. نقش آموزش نیز در تولید قدرت نرم و شکل‌دهی به هویت دولت‌ها از آن جهت قابل توجه در نظر گرفته می‌شود که متکی بر انسان‌ها و ذهن آنان است: نقش آموزش در این راستا می‌تواند یک جاذبه موقت برای کشور میزبان باشد این جذابیت ممکن است انگیزه اصلی شرکت دانشجویان خارجی در برنامه‌های آموزشی بین‌المللی باشد. در این صورت دانشجویان خارجی ممکن است در ابتدا کشوری را که به آنجا می‌روند دوست نداشته باشند، اما با تعامل و صحبت در این برنامه‌ها تصویر مثبتی از آن کشور در ذهن خود ایجاد می‌کنند (Dehshiri.Taheri.2017:39-40) در واقع آموزش و سیستم دانشگاهی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار در قشر دانشگاهی کشور دیگر تأثیر داشته و به این سبب موجب نفوذ از طریق قدرت نرم گردد. بحث نای در مورد قدرت نرم باعث تحریک و روشن شدن افکار سیاست‌گذاران شد و دانشمندان به طور یکسان، حتی کسانی که با آن مخالف هستند، بر این نظر بودند که شاید این تنها چیزی باشد که بتوان به آن امیدوار بود. (Nye, 2017: 3)

به نظر می‌رسد علم و تکنولوژی ابزارهای جایگزین مطلوبی برای تعامل و ایجاد ارتباطات بین‌المللی است. یعنی نوآوری علم و دستاوردهای فناوری می‌تواند سهم مهمی در سیاست خارجی کشورهای مختلف برای حضور در عرصه‌های فراملی ایفا نماید. به‌طور کلی علم و فناوری و به‌طور خاص دیپلماسی علمی یکی از مؤلفه‌هایی است که توانایی و قابلیت تأمین منافع ملی در هر شرایطی را دارا است و به‌عنوان یک مؤلفه مهم قدرت نرم کشورها با ماهیت اقتدار آفرین خود از تأثیرات متقابل با حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی کشورها برخوردار می‌باشد. (Dehshiri.Rouhani.2018: 30-31) همکاری‌های علمی بین‌المللی، پژوهش‌های مشترک و شبکه‌سازی نخبگان، سه شاخصه اصلی دیپلماسی علمی در چشم‌اندازهای کلان جمهوری اسلامی ایران هستند (Nourmohammadi.Mohammadi Pour.2018:166) و درواقع دیپلماسی علمی به‌عنوان یکی از ابزارهای قدرت نرم که می‌تواند در سیاست خارجی نیز تأثیرگذار باشد کاربرد دارد این پژوهش با استفاده از نظریه قدرت نرم و دیپلماسی علمی به‌عنوان یکی از زیرشاخه‌های آن در پی بررسی نقش و تأثیر دیپلماسی علمی در منازعات بین‌المللی بوده است.

۴-نگاهی تاریخی به رابطه دیپلماسی آکادمیک و روابط بین‌الملل

امروزه دیپلماسی علمی جایگاه مهمی بین کشورهای جهان پیدا کرده، به‌ویژه بازیگران برتر جهانی به‌صورت فزاینده از ظرفیت آن در جهت افزایش قدرت نرم و افزایش نفوذ خود در جوامع هدف بهره می‌برند. دیپلماسی عمومی یکی از ابزارهای قدرت نرم است و اکثر اندیشمندان به‌کارگیری این اصطلاح را مربوط به سال ۱۹۶۵ می‌دانند که ادموند گولیون رئیس اسبق مرکز ادوارد آره مورور برای اولین بار این اصطلاح را به کاربرد و در تعریف دیپلماسی عمومی می‌توان بیان داشت که دیپلماسی عمومی به برنامه‌های تحت حمایت دولت اشاره دارد که هدف از آن‌ها اطلاع‌رسانی و یا تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی در کشورهای دیگر است؛ ابزار اصلی آن نیز انتشار متن، تصاویر متحرک، مبادلات فرهنگی، رادیو، تلویزیون و اینترنت است. یکی از زیرمجموعه‌های دیپلماسی عمومی، دیپلماسی علمی می‌باشد، گزارش معاونت علم و فناوری ریاست جمهوری ایران، دیپلماسی علمی را این‌گونه تعریف کرده است: توانمندی‌های علمی و فناوری یک

کشور و تعاملات آن با دیگر بازیگران بین‌المللی در این حوزه که در خدمت پیشبرد سیاست خارجی آن کشور قرار گیرد یا روابط سیاسی میان یک کشور و دیگر بازیگران بین‌المللی که زمینه‌ساز توسعه و تعاملات فناوری شود، دیپلماسی علمی نامیده می‌شود. همچنین نینا فدوروف، مشاور علمی و فناوری وزیر امور خارجه آمریکا دیپلماسی علمی را "استفاده از تعامل علمی بین ملت‌ها برای رفع مشکلات متداول بشریت و ایجاد مشارکت‌های بین‌المللی سازنده و دانش‌بنیان می‌داند" همچنین تعاریف متعدد دیگری برای این مفهوم ارائه شده است که به صورت نمونه به این دو مورد اشاره گردید اما اهدافی که در این تعاریف برای دیپلماسی علمی به شمارش آمده است شامل: ایجاد پل میان جوامع، پیشبرد سیاست خارجی کشور، حل و فصل چالش‌های مشترک، همکاری میان مردم کشورها، تصویرسازی مثبت از کشور و... همگی اهدافی هستند که برای دیپلماسی عمومی نیز ذکر گردیده‌اند یعنی اگر دیپلماسی عمومی را «مخاطب قرار دادن مردم سایر کشورها جهت تأمین منافع کشور از هر روش نرم ممکن» تعریف شود، دیپلماسی علمی همان دیپلماسی عمومی است که محدود به روش‌های مربوط به علم و فناوری می‌باشد اما نکته حائز اهمیت آن که هرگونه همکاری علمی بین‌المللی جزء دیپلماسی علمی محسوب نمی‌شود بلکه در دیپلماسی علمی در راستای منافع ملی بودن اهمیت دارد (Kouhkan.Bashir.,2020: 71-80) موضوع اصلی دیپلماسی علمی، استفاده از ظرفیت‌های علم و فناوری برای تحقق اهداف سیاست خارجی و همین‌طور استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی برای پیشبرد علم و فناوری است و درواقع به دانشگاهیان به مثابه سفیران فرهنگی نگریسته می‌شود. (Dehshiri.Taheri.2017:35)

به همین دلیل فهم جایگاه دانشگاه در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل و نقش آن‌ها در تصویرسازی از کشور حائز اهمیت است و به‌طورکلی برنامه مبادلات آموزشی و فرهنگی جهت درک و توسعه شناخت متقابل به جلب حمایت افکار عمومی، توجیه سیاست‌ها و اهداف و گسترش روابط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی با دولت‌های دیگر از اهمیت بالایی در ساختار دیپلماسی برخوردار است و به عقیده جوزف نای نقش کلیدی را در توسعه روابط دراز مدت و استراتژیک بین کشورها ایفا می‌نماید این موضوع پیوستگی همیشگی آموزش با سیاست یا به تعبیر فوکو رابطه دانش با قدرت را به یاد می‌آورد همکاری بین‌المللی دانشگاهی به این دلایل صورت می‌گیرد:

۱- ارتقای فرهنگ‌ها ۲- درک فرهنگ‌ها ۳- گسترش و تقویت زبان ۴- گسترش و تقویت فرهنگ خودی ۵- گسترش تغییرات سیاسی ۶- کمک به توسعه کشورهای جهان سوم ۷- ارتقای دانش و فناوری ۸- بهره‌گیری از تجربیات سایر کشورها.

فعالیت‌های بین‌المللی مؤسسات آموزش عالی عنصری از قدرت نرم در روابط بین‌دولتی محسوب می‌گردند و در حوزه دیپلماسی آموزشی یا دیپلماسی آکادمیک به کاربرده می‌شود، دولت ملت‌ها برای دیپلماسی آموزشی به‌ویژه در عصر جهانی‌شدن امتیاز بالایی قائل هستند درواقع دولت‌ها از دیپلماسی آموزشی برای حفظ و حتی گسترش منافع ملی خود بهره می‌گیرند (Sehitoglu.Tekin. Guner. ۲۰۲۳:۳۹۹-۴۰۲). زمانی که موضوعات علمی و بازیگران برای حمایت از منافع سیاست خارجی درگیر امور دیپلماتیک می‌شوند به عنوان علم برای دیپلماسی شناخته می‌شود و برای پیشبرد اهداف اقتصادی، امنیتی، توسعه یا



زیست محیط در حوزه بین‌المللی از دیپلماسی علمی بره گرفته می‌شود اگرچه اهداف سیاسی، استراتژی‌ها و ابزارهای دیپلماسی علمی ممکن است متفاوت باشد اما ابتکارات مختلف در یک نقطه مطابقت دارند. همه‌ی آن‌ها تا حد زیادی به مشارکت دانشمندانی بستگی دارند که نقش مهمی در فعالیت‌های دولتی دارند و حتی به عنوان دیپلمات‌های غیررسمی عمل می‌کنند (Fahnrich.2015:1-5). با توجه به تحول در ماهیت تعاملات بین‌المللی و کاهش کارایی ابزارهای سنتی قدرت، بازیگران عرصه روابط بین‌الملل بیش از پیش به بهره‌گیری از دیپلماسی نرم، به‌ویژه دیپلماسی علمی روی آورده‌اند. این رویکرد جدید با تکیه بر علم، آموزش و فناوری به عنوان منابع مشروعیت بخش و جاذبه‌آفرین، توانسته است نقش مهمی در مدیریت منازعات، تصویرسازی مثبت بین‌المللی و پیگیری منافع ملی ایفا کند. در همین راستا، بررسی جایگاه دیپلماسی علمی در سیاست خارجی، گامی ضروری در جهت درک ظرفیت‌های این ابزار در شکل‌دهی به روابط بین‌الملل نوین است.

۵- جایگاه دیپلماسی علمی در سیاست خارجی

مفهوم دیپلماسی آکادمیک چگونگی انجام روابط بین‌الملل در جهان آکادمیک را نشان می‌دهد این به معنای واقعی کلمه می‌تواند به معنی نمایان کردن دیپلماسی در محوطه دانشگاه با میزبانی نمایندگان دولت‌های خارجی، تأسیس مراکز تحقیقاتی و موزه‌ها یا پیگیری‌های فعالانه برنامه‌های مبادله در راستای برنامه‌های آموزشی باشد، دیپلماسی علمی بر این فرض استوار است که دانشگاه به‌طور نهادی با دولت - ملت‌ها پیوند خورده است و درعین حال با یک جامعه بین‌المللی و فراملی از متخصصان مرتبط است به عنوانی نهادی ملی دانشگاه می‌تواند نقش کلیدی در دیپلماسی فرهنگی و سیاست‌های مشابه ایفا کند (Adam-Lerg. 2015:302)

۱-۵. ابعاد و مؤلفه‌های پیشبرد دیپلماسی علمی در سیاست خارجی

درمورد دیپلماسی علمی ۳ رویکرد وجود دارد:

(الف) علم در دیپلماسی: در این بعد، علم به عنوان حمایت گر و پشتوانه تأمین و تحقق اهداف سیاست خارجی عمل می‌کند، ایجاد بهره‌مندی از ظرفیت‌ها و برقراری ارتباط میان دانشمندان و دیپلمات‌ها از دیگر مؤلفه‌های که در پیشبرد علم در دیپلماسی است درگذشته دولت‌ها قائل به ادغام و ترکیب علم و سیاست خارجی نبوده‌اند، اما گستره همکاری بین‌المللی علمی در جهان امروز توسط دولت‌ها به‌طور فزاینده‌ای رشد داشته است، مشارکت استادان و خبرگان دانشگاهی در حل مناقشات بین‌المللی توسط دولت‌ها (برای نمونه اعزام آن‌ها به عنوان رایزنان علمی و فناوری کشورها) از دیگر مؤلفه‌های پیشبرد علم در دیپلماسی است (Moghimi.Arasteh.Mohammadkhani.2016:199)

(ب) دیپلماسی برای علم: در این بعد، دیپلماسی، همکاری‌های علمی و فناوری بین‌المللی را تسهیل می‌کند این رویکرد به معنای استفاده از ظرفیت‌های دیپلماتیک برای رشد و توسعه علم و فناوری کشور است. سهولت صدور روادید برای متخصصان و استادان و خبرگان علمی توسط نظام سیاسی، تعداد و کیفیت

بالای طرح‌های بزرگ بین‌المللی (به دلیل ریسک و هزینه بالای آن) در چند کشور به‌طور هم‌زمان، حمایت مالی کشورها از طرح‌های در حال اجرا با حمایت مالی از پیشنهادها و تحقیقاتی در کشورهای همسایه به‌ویژه در زمینه چالش‌های مشترک مانند آب‌وهوا، زیست دریا، پاسداشت مرزها، مهاجرت و... ازجمله مؤلفه‌های این بعد به‌شمار می‌آیند (Moghipi.Arasteh.Mohammadkhani.2016:200-201)

ج) علم برای دیپلماسی: بهبود روابط بین‌الملل از طریق علم، معنای اصلی این بعد است. تعداد و کیفیت اداره سازمان‌های غیرانتفاعی که این ارتباط را برقرار می‌کنند و تعداد و کیفیت اتحادیه‌های تخصصی برای گسترش ارتباطات بین‌المللی میان کشورها به‌ویژه توسعه مهارت‌ها و دانش کشورهای درحال توسعه ازجمله اصول مطرح در این بعد محسوب می‌گردد. زیرساخت‌های موردنیاز برای متعهدان علمی بین‌المللی عبارت‌اند از: حمایت دستگاه سیاست خارجی، ایجاد سازوکارهای مرتبط با آموزش عالی و توسعه سرمایه‌گذاری‌های علمی، آینده‌پژوهی علمی کشورها، توسعه همکاری‌های مشترک علمی در دنیا و فعالیت‌های بین‌المللی مراکز آموزش عالی کشورها به‌طورکلی زمانی همکاری‌های بین‌المللی دستگاه‌ها به‌عنوان ابزار پیشبرد دیپلماسی علم و فناوری مطرح می‌شود که منجر به تأمین اهداف سیاسی کشورها شود (Moghipi.Arasteh.Mohammadkhani.2016:202) با توجه به اهمیت فزاینده دیپلماسی علمی در سیاست خارجی کشورها، به‌ویژه در چارچوب تعاملات چندجانبه و حل‌وفصل چالش‌های فراملی، ضروری است که از سطح تحلیل صرفاً مفهومی و نظری فراتر رفته و نحوه کاربست عملی این نوع دیپلماسی در موقعیت‌های بحرانی مورد واکاوی قرار گیرد. در این راستا، بررسی شیوه‌های نقش‌آفرینی دیپلماسی آکادمیک در کنترل بحران‌ها، می‌تواند تصویری واقعی از ظرفیت‌های اجرایی آن در مهار تنش‌ها، کاهش سوءتفاهم‌ها و شکل‌دهی به سیاست خارجی منعطف ارائه دهد.

۶. شیوه نقش‌آفرینی دیپلماسی آکادمیک در کنترل بحران‌های بین‌المللی

۶-۱. مدیریت بحران و منازعات

طی دهه‌های اخیر به‌تبع وقوع گذار از نظم وستفالیایی به نظم پسوستفالیایی در نظام جهانی، بسیاری از قواعد، اصول و رویه‌های حاکم بر تعاملات کنشگران دستخوش دگرگونی گردیده است و مدیریت بحران و کنترل منازعات نیز از این امر مصون نبوده است یکی از راه‌های کنترل منازعات دیپلماسی می‌باشد که از گذشته تاکنون در عرصه روابط بین‌الملل کاربرد داشته است (Saeedi.2017:105)

متأثر از جهانی‌شدن و به اقتضای تحولات نوینی که در جهان صورت گرفته است، اشکال مختلف دیپلماسی برای کنترل منازعات پدید آمده است اولین نوع از دیپلماسی، دیپلماسی سنتی است که همانا روابط دولت با دولت می‌باشد و تعاملات دیپلماتیک میان نمایندگان دو کشور و پشت درهای بسته انجام می‌گرفت و مذاکرات حول محور موضوعات سیاست عالی از قبل جنگ، صلح و امنیت جریان داشت (Saeedi.2017:115) دگرگونی‌های نظام جهانی در عصر پسوستفالیای سبب شده است که دیپلماسی سنتی به‌تنهایی برای کنترل کنش‌های چندوجهی و حل منازعات کافی نباشد و همین امر دیپلماسی مدرن را اجتناب‌ناپذیر ساخته است بسیاری از اشکال دیپلماسی نوین در نتیجه تعامل با فناوری اطلاعات و ارتباطات

به وجود آمده است که از جمله آن دیپلماسی عمومی را می‌توان نام برد دیپلماسی عمومی از فناوری نوین برای نیل به اهداف دیپلماتیک استفاده می‌کند و به‌طور کلی دیپلماسی سنتی رسمی بر روابط نمایندگان کشورها و بازیگران بین‌المللی تأکید می‌کند اما دیپلماسی عمومی حیطه عمومی را مدنظر قرار می‌دهد و مخاطب خود را جوامع خارجی در نظر می‌گیرد و از طریق همین افکار عمومی بر کنترل منازعات و بحران‌ها تأثیرگذار می‌باشد (Simbar.Ghorbani.2009:48-49) از دیگر انواع دیپلماسی که زیرمجموعه دیپلماسی عمومی نیز به شمار می‌رود دیپلماسی فرهنگی است که به باور بسیاری از نظریه‌پردازان، دیپلماسی فرهنگی نمونه بارز و اعلامی قدرت نرم می‌باشد که به کشورها این امکان و توان را می‌دهد که در طرف مقابل نفوذ کنند و از طریق عناصری چون فرهنگ، ارزش و ایده‌ها ترغیب به همکاری کنند درواقع کنترل بحران از طریق قدرت نرم صورت می‌گیرد (Khani.2005: 137-138) یکی از به‌روزترین انواع دیپلماسی‌ها در کنترل بحران‌ها به‌کار گرفته می‌شود دیپلماسی علمی می‌باشد که به چگونگی تأثیرگذاری این نوع دیپلماسی بر کنترل بحران‌ها و به‌طور اخص پرونده هسته‌ای ایران در ادامه پرداخته خواهد شد.

۲-۶. دیپلماسی آکادمیک تبیین سیاست خارجی منعطف

رویکرد منعطف و تعامل‌گرا در سیاست خارجی، واجد روش‌ها و شیوه‌هایی مسالمت‌جویانه، منطق و تعاملی است که تلاش می‌کند از موضع گفت‌وگو و با ابزار دیپلماسی، مواضع بعضاً متضاد دو کشور با چند بازیگر مستقل را به هم نزدیک نماید تا بتوان در نتیجه‌ی به‌کارگیری یک سلسله از اقدامات به‌ویژه از طریق مذاکره و مصالحه به توافق مرضی‌الطرفین دست یابد در این رویکرد هر چه سیاست‌گذاران و دیپلمات‌های یک کشور از ورزیدگی و مهارت بیشتر و بالاتری در حوزه دیپلماسی برخوردار باشند نتیجه‌ی رویکرد می‌تواند با دستاوردهای بیشتری برای آن کشور همراه باشد، هدف سیاست خارجی منعطف رسیدن به تفاهم در عین وجود تفاوت‌ها و روا اداری و مدارا در عین وجود اختلاف‌هاست بنابراین با نزدیک کردن مواضع کشورها در صحنه بین‌المللی برای دست یافتن بازیگران به توافق می‌باشد که می‌توان در بسیاری از مواقع از بروز حوادث ناگواری همچون جنگ و منازعه جلوگیری کرد (Naderi.2015: 64) درگذشته به دلیل رقابت نظامی و حتی جنگ‌های مستقیم بین قدرت‌های مهم تغییرات در روابط بین‌الملل به‌وسیله همین جنگ‌ها شکل گرفت اما امروزه قدرت‌های جهانی نیز به‌درستی دریافته‌اند که دیگر نمی‌تواند به‌تنهایی منافع خود را پیگیری کنند با اهداف خاص خود را به‌صورت یک‌جانبه به دست آورد به همین دلیل کشورها به سیاست خارجی منعطف روی آورده‌اند دیپلماسی آکادمیک نیز یکی از مؤلفه‌هایی است که به شکل‌گیری سیاست خارجی منعطف کمک می‌کند در کنار سیاستمداران توانا و با دانش متخصصان و اندیشمندان دانشگاهی در رسیدن کشور به اهداف سیاست خارجی‌اش همراه خواهند شد یکی از بحران‌هایی که در عرصه سیاست خارجی دیپلماسی آکادمیک در آن ورود کرده و منجر به عدم شکل‌گیری فضای امنیتی شده است، روابط ایران و آمریکا در فرایند شکل‌گیری معاهده برجام می‌باشد که در سال ۲۰۱۵ با امضای معاهده برجام، دانشگاه‌ها و محققان ایران و آمریکایی در کنار سیاستمداران این کشورها به یک توافق برای کاهش بعدهای منازعه میان دو کشور دست یافتند.

۷. پرونده هسته‌ای ایران

هنگامی که از خرداد ماه سال ۱۳۸۲ (ژوئن ۲۰۰۳) ماهیت برنامه هسته‌ای ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مورد بررسی قرار گرفت و مدتی بعد شورای حکام آژانس براساس گزارش‌های ژوئن و سپتامبر ۲۰۰۳ دبیرکل آژانس، آقای محمد البرادعی، در اولین قطعنامه خود (مورخ ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۳) تردیدهایی را در مورد ماهیت صرفاً صلح آمیز برنامه هسته‌ای ایران دامن زد تلاش‌های زیادی از جانب جمهوری اسلامی ایران برای اثبات ماهیت غیرنظامی برنامه هسته‌ای خویش و متقاعد ساختن آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در این مورد صورت گرفت. برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران زمانی به بحران تبدیل شد که آمریکا با رویکردی بیشینه خواهانه و تمامیت گرایانه با هر نوع فعالیت مربوط به غنی سازی اورانیوم مخالفت کرد و به هیچ وجه حاضر نبود وجود برنامه غنی سازی در ایران را بپذیرد (Gohari Moghaddi, 2019:11). اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی و امضاء موافقتنامه پاریس با کشورهای انگلستان، فرانسه و آلمان در زمره مهم‌ترین آن‌ها است. متقابلاً آژانس نیز به تحقیقات و بازرسی‌های وسیعی در ایران دست زد تا بتواند واقعیت امر را احراز نماید. بحران هسته‌ای ایران در شهریور ۱۳۸۲ برای نخستین بار به اوج خود رسید، زیرا بر اثر تشدید بازرسی‌های آژانس از تأسیسات و مراکز هسته‌ای ایران در میان نشست‌های خرداد و شهریور ۸۲ شورای حکام و گزارش‌های البرادعی، کاستی‌های ایران برجسته‌تر نشان داده شد. شورای حکام نیز پس از بحث و بررسی گزارش مدیر کل در نشست ۲۱ شهریور ۱۳۸۲ قطعنامه‌ای تصویب کرد و از ایران خواست تا اقدامات زیر را انجام دهد. متوقف ساختن بی درنگ و کامل غنی سازی اورانیوم، امضای فوری پروتکل ۲+۹۳ و اعلام ریز برنامه‌های هسته‌ای به آژانس. این قطع نامه همچنین تاریخ ۹ آبان ۱۳۸۲ را برای حل و فصل مسائل مطرح کرده بود. (Hersij.Babri Gonbad, 2006:11) هرچند آژانس هیچگاه دلایل قاطعی بر ماهیت نظامی برنامه‌های هسته‌ای ایران کشف ننمود اما با توجه به شرایط موجود ماهیت کاملاً غیرنظامی برنامه هسته‌ای ایران را نیز تأیید ننمود.

از دیدگاهی منطقی ایران بدرستی امری عدمی را غیرقابل اثبات می‌دانست و آژانس نیز نمی‌توانست به ضرس قاطع تأیید کند که برنامه هسته‌ای ایران کاملاً ماهیت صلح جویانه دارد. به هر حال از تأثیر جوسیاسی موجود بر این قضیه نمی‌توان غفلت کرد. به نظرمی‌رسد که شرایط و اوضاع و احوال سیاسی موجود در تداوم این کشمکش تأثیری قاطع داشته است. در هر حال با گزارش پرونده ایران به شورای امنیت توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، شورا با تصویب قطعنامه ۱۶۹۶ در ۹ مرداد ماه ۱۳۸۵ (۳۱ ژوئیه ۲۰۰۶) ضمن استناد به ماده ۴۰ از فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد از جمله از ایران خواست که فعالیت‌های تحقیق و توسعه هسته‌ای خود را متوقف سازد. به نظر می‌رسد که برای جلوگیری از گسترش دامنه بحرانی که دولت‌های اروپایی و آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده بودند به لحاظ حقوقی ایران میبایست قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت را به اجرا درآورد بویژه آن‌که با تصویب آن قطعنامه به نظر می‌رسید که وفاقی نسبی علیه برنامه‌های هسته‌ای ایران میان اعضای شورای امنیت ایجاد شده است. بند ۸ اجرایی قطعنامه که امکان تصویب قطعنامه‌های شدیدتر را مورد تصریح قرار داده بود حکایت از چنین واقعیتی داشت. (Zamani.Meydani, 2006:16) در واقعه در برهه‌های زمانی مختلف مسئله هسته‌ای



ایران بیشتر بعد امنیتی یافت و بعد سیاسی آن کمرنگ شده است و حتی برجام نیز نتوانسته است این امنیتی شدن را به طور کامل از بین ببرد و لذا به یک دیدگاه و رویکرد جدید برای غیر امنیتی سازی این مسئله نیاز است.

۱-۷. مسئله هسته‌ای ایران و حاکمیت سیاست‌های غیر حقوقی

فهم اینکه چگونه موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در طول زمان ابعاد مختلف سیاسی، حقوقی و سپس امنیتی به خود گرفت نیازمند بررسی ویژه وضعیت پرونده‌ی هسته‌ای ایران است. آنچه مشخص است این پرونده در ابتدای مطرح شدن در آژانس انرژی اتمی، شکلی سیاسی و حقوقی به خود داشته است و پس از ارسال به شورای امنیت سازمان ملل، شکل امنیتی به خود گرفته است. روند ارسال پرونده‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از شورای حکام آژانس انرژی اتمی به شورای امنیت این گونه بود که در مهرماه ۱۳۸۴ ایالات متحده آمریکا و چند کشور اروپایی برخلاف رویه اصولی و قانونی، احراز سیاسی پایبند نبودن ایران به تعهدات خود را اعلام نمودند، درحالی که بر طبق ماده ۱۲ اساسنامه آژانس، احراز پایبند نبودن یک کشور عضو بر عهده بازرسان آژانس گذاشته شده که باید آن را به مدیرکل گزارش نمایند و این در حالی است که در هیچ یک از گزارش‌های آژانس به پایبند نبودن ایران حتی اشاره‌ای نیز نشده بود. سپس در دی ماه ۸۴ بیانیه برلین توسط وزرای خارجه سه کشور اروپایی صادر و در آن اعلام شد که زمان برای درگیر شدن شورای امنیت در موضوع هسته‌ای ایران فرارسیده و خواستار برگزاری اجلاس اضطراری شورای حکام شدند و در نهایت در بهمن ماه ۱۳۸۴ این اجلاس تشکیل و نهمین قطعنامه شورای حکام، بر ارسال پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل حکایت داشت. در این راستا آنچه در ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت مورد استناد قرار گرفت عدم همکاری مورد اشاره در ماده ۱۷ اساسنامه آژانس از سوی ایران بود، این در حالی است که ج.ا. ایران در مدار قواعد و قوانین و اساسنامه آژانس و شورای حکام حرکت می نمود و بیشترین همکاری را با آژانس داشت و شواهد موجود نیز مبنی بر عدم انحراف فعالیت‌های هسته‌ای ایران به سوی مقاصد نظامی بود. به هر صورت از تاریخ شروع مسئله هسته‌ای ایران در سپتامبر ۲۰۰۳ (شهریور ۱۳۸۱) برنامه‌های هسته‌ای ایران تحت نظارت جدی آژانس قرار گرفت و با تصویب قطعنامه ۴ فوریه ۲۰۰۶ پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت ارسال گردید، درمجموع، با یک شرایط ویژه و خاص، پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، با ورود به شورای امنیت، بعد امنیتی به خود گرفت و آنچه از رویه‌ی پیش آمده بر پرونده‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران مشاهده و برداشت می گردد، نشان از امنیتی سازی یک پرونده کاملاً حقوقی و فنی دارد. لذا در بررسی مسئله‌ی هسته‌ای ایران و بیان چگونگی آغاز روند امنیتی سازی این موضوع، مطابق با سه واحد تحلیل امنیتی سازی مکتب کپنهاگ، می توان بیان داشت که کنشگر امنیت سازی در موضوع هسته‌ای ایران، دولت‌های غربی به ویژه ایالات متحده آمریکا و رسانه‌های تبلیغاتی در اختیار آن‌ها بوده‌اند. بدین ترتیب که غرب به ویژه آمریکا، با تبلیغات رسانه‌ای بسیار، این گونه به اذهان عمومی القا نمودند که برنامه‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، تهدیدکننده‌ی صلح و امنیت بین‌الملل و برخلاف موازین عدم اشاعه‌ی سلاح‌های کشتار جمعی است. و کنشگر عملکردی مؤثر بر امنیتی سازی موضوع

هسته‌ای ج.ا. ایران، گزارش‌های آژانس انرژی اتمی و دبیر کل آن (البرادعی) بوده است؛ گزارش‌هایی که مبنی بر عدم شفافیت فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و نیز شائبه‌ی عدم همکاری جمهوری اسلامی با این نهاد بین‌المللی بود و این در حالی است که جمهوری اسلامی بیشترین همکاری‌ها را با آژانس انرژی اتمی داشته و در مقطعی نیز پروتکل الحاقی را به خواست آژانس به‌طور داوطلبانه اجرا نمود. در این راستا باید به تلاش کنشگر امنیتی‌ساز (غرب و به‌ویژه ایالات متحده) برای امنیتی کردن موضوع هسته‌ای کشورمان اشاره داشت که موفق گردید.

پرونده هسته‌ای ایران را از آژانس به شورای امنیت ارجاع دهد. ارجاع پرونده به شورای امنیت و صدور قطعنامه‌ها حاکی از این است که کنشگر امنیتی‌ساز با تبلیغات بسیار پیرامون مرجع اشاره - نظیر حفظ صلح و امنیت بین‌الملل و تهدیدآمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران - دیگر دولت‌های تأثیرگذار در مناسبات بین‌المللی را قانع نمود که مسئله هسته‌ای ایران تهدید را است. سرانجام و متعاقب ارجاع پرونده هسته‌ای ایران، قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ج.ا. ایران صادر گردید و به‌این ترتیب مهم‌ترین کنشگر عملکردی مؤثر که درواقع بهترین دلیل و البته لازمه اصلی برای امنیتی تلقی شدن برنامه هسته‌ای ج.ا. ایران در نظام بین‌الملل بود با تصویب قطعنامه‌های شورای امنیت علیه برنامه هسته‌ای ج.ا. ایران، شکل نهایی به خود گرفت. (Montazeran.2020)

در تحلیل ابزارهای غرب در امنیتی‌سازی فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، در ابتدا باید به اپوزیسیون و ادعاهای آن‌ها نسبت به برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران اشاره داشت، که این اظهارات درواقع ابزار و گام اول در آغاز امنیتی‌سازی موضوع هسته‌ای ایران بوده است. چنانچه بیان گردید، پرونده ایران در آژانس با بهانه واهی انحراف از فعالیت‌های هسته‌ای سمت فعالیت‌های غیرمجاز، از حالت عادی خارج گردید و حالت ویژه به خود گرفت. به دنبال آن، بازیگران غربی به‌ویژه آمریکا در راستای امنیتی‌سازی فعالیت هسته‌ای ایران، تهدید هسته‌ای ایران را در فضای بین‌دولتی سایر کشورها و افکار عمومی جهانی بر ساخته و بزرگ‌نمایی نمودند و به تبع آن رسانه‌های غربی نیز با به‌کارگیری واژگان و عبارات، برنامه هسته‌ای ایران را برجسته نمودند. علاوه بر بازیگران غربی، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز، نقش ویژه‌ای در بزرگ‌نمایی برنامه هسته‌ای ایران در اذهان و ایجاد زمین‌های امنیتی داشته است. در این راستا می‌توان به کنش کلامی آژانس علیه فعالیت هسته‌ای ایران و قطعنامه‌های آژانس علیه برنامه هسته‌ای ایران اشاره داشت. کنش کلامی آژانس این‌گونه بود که از واژگان و عباراتی با بار منفی برای بزرگ‌نمایی برنامه هسته‌ای ایران استفاده می‌نمود. آژانس به‌عنوان بازیگر امنیتی‌ساز با انتخاب مکرر و استفاده از واژگانی نظیر شک و تردید، تعلیق، قصور و پنهان‌کاری و ... این برنامه را به‌مثابه تهدید و ناامنی جهانی جلوه داد.

شورای حکام آژانس نیز به‌عنوان مرجع مهم صدور قطعنامه، از سال ۲۰۰۳ چندین قطعنامه درباره فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران تصویب و در قطعنامه‌های تصویب‌شده خود، ایران را بارها مورد انتقاد قرار داده است. (GolshanPajouh.2008:81-82) درمجموع، نوع کنش کلامی همراه با قطعنامه‌های شورای حکام آژانس انرژی اتمی، سبب برجسته شدن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران گردید؛ چراکه این نوع بزرگ‌نمایی و تهدید جلوه دادن فعالیت هسته‌ای در اذهان مخاطبان بسیار مهم‌تر از وجود پدیده

عینی تهدید آمیز است. و تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران، فارغ از چارچوب شورای امنیت، بستری از فشار و تهدید را ایجاد کرد که مدیریت بحران از طریق ابزارهای سنتی را با دشواری مواجه ساخت و ضرورت بهره‌گیری از دیپلماسی علمی را دوچندان نمود (Hatami.Ghanbari.Azadbakht.2026:129) علاوه بر این، بررسی نحوه عملکرد بازرسان آژانس انرژی اتمی نیز، نشان از بحران سازی و امنیتی‌سازی موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از سوی این بازرسان دارد. چنانچه در سال ۱۳۹۱ «جی کارنی» سخنگوی وقت کاخ سفید با بیان اینکه آمریکا برنامه هسته‌ای ایران را زیر نظر دارد، بیان نمود که بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی چشم‌های ما هستند. این بازرسان نیز در مأموریت‌های بازرسی در ایران، عمدتاً، درخواست‌های بازدید از مراکز حساس جمهوری اسلامی را طلب می‌نمودند. درمجموع می‌توان بیان داشت که ابزارهایی نظیر جنگ رسانه‌ای غرب علیه فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و پوشش و تبلیغات و فضا سازی خبری رسانه‌های غربی علیه آن و نیز اقدامات رسانه‌ای و تبلیغاتی آن‌ها پس از گزارش‌های آژانس انرژی اتمی، قطعنامه‌های شورای حکام و نیز قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران، موجب گردید که افکار عمومی جهان به سمت امنیتی ساختن این فعالیت سوق یابد. و این‌گونه دولت‌های غربی و ابزارهای در اختیار آن‌ها موفق گردیدند که موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را که در اصل ماهیتی حقوقی و فنی داشت، به وضعیتی امنیتی تبدیل نمایند. (Kayhan.2015)

در این راستا ایران تلاش کرده است که در کنار سیاست‌های رسمی در قالب دیپلماسی علمی و در نگاه علمی حقوقی اقدامات لازم را نیز در جهت خنثی سازی تلاش‌های آمریکا انجام دهد و بی‌اعتمادی حاصل شده نسبت به پرونده هسته‌ای را کاهش دهد.

۲۰۷. کار ویژه‌های دیپلماسی علمی در پرونده هسته‌ای ایران

کل تعداد تولیدات علمی ایران طی نیم قرن اخیر در پایگاه استنادی وب آوساینس ۷۳۰۸۹۱ بوده است که الگوی همکاری مشترک در تولید مقالات نیز در آن مشخص شده است. بر این اساس ۵۰ کشور که بالاترین همکاری مشترک با پژوهشگران ایرانی را داشته‌اند نیز مشخص شده است. کشور آمریکا با ۵/۷۶ درصد، کانادا با ۲/۹۲٪ و انگلستان با ۲/۳۴ درصد، همچنین استرالیا با ۲/۱۶ درصد و آلمان با ۲/۰۶ درصد تولیدات علمی مشترک با ایرانیان در رتبه‌های اول تا پنجم این الگوی همکاری قرار دارند. بنابراین تأثیر این همکاری‌های علمی را در دیدگاه و رویکرد نشست‌های آکادمیک و دیپلماتیک را نمی‌توان نادیده گرفت. پژوهش‌ها نشان از این امر دارند که کشور آمریکا به‌عنوان کشوری که بیشترین تولیدات علمی دنیا را در اختیار دارد شریک اول همکاری مشترک ایران طبق الگوی همکاری علمی بین‌المللی قرار دارد. (Moradi Moghaddam.2022:31)

در حقیقت، دیپلماسی علمی حوزه تعاملاتی است که کنشگران مختلف، امکان تعامل چند بعدی با طیف گسترده‌ای از رقبا، دوستان و متحدان را به نحوی فراهم می‌نماید که بدون تغییر ملموس، در مرحله اولیه از نوع تعریف هویت در قالب خودی و دیگری نیز قابل اجراست. البته گستره اعمالی ممکن است بتواند به تدریج به عادی سازی روابط و تقویت تعاملات بپردازد. از این روست که دیپلماسی علمی در صورت اجرای موفقیت آمیز، ابزاری برای تقویت و بهبود روابط دوستان و به تعبیری دشمنان تلقی

می‌شود. بارزترین نمونه این امر، تلاش‌های اوباما برای تقویت چهره آمریکا نزد کشورهای مسلمان، پس از حادثه ۱۱ سپتامبر بود. در سخنرانی ۴ ژوئن ۲۰۰۹ در قاهره، وی اظهار داشت: «دولت اقداماتی را در ارتباط با همکاری‌های بین‌المللی در حوزه علم و فناوری انجام خواهد داد. در زمینه علم و فناوری، یک صندوق جدید برای حمایت از پیشرفت تکنولوژی در کشورهای دارای اکثریت مسلمان برای انتقال ایده‌ها به بازار راه اندازی خواهد شد، به این ترتیب مشاغل بیشتری ایجاد می‌شود، مراکز برتر علمی در آفریقا، خاورمیانه و آسیای جنوب شرقی باز خواهد شد و موارد علمی جدید برای همکاری در برنامه‌های جدید انرژی، مشاغل سبز، دیجیتالی کردن پرونده‌ها، آب پاکیزه و تولید محصولات جدید شکل خواهند گرفت.» در واقع، هدف اصلی اوباما در راه اندازی این برنامه، توسعه روابط میان ایالات متحده و کشورهای مسلمان از طریق علم و فناوری با تمرکز بر توسعه اقتصادی، آموزش و همچنین نوآوری بود. بر اساس همین رویکرد، دولت‌مردان آمریکایی امیدوار بودند جوامع تحقیقاتی در اروپا، آمریکا و جهان اسلام بتوانند روابط شکننده را بازسازی نمایند و الهام بخش نسل جدید از رهبران و مدیران در امر تحقیق، حکومت، آکادمی و صنعت باشند. (keyvan Hossaini. Bahrami.2020:97)

آمریکا با اتکا بر قدرت مدیریت همکنشی علمی در فضای جهانی در قالب تنبیه و تشویق به جذب و دفع بازیگران در تعامل با ایران می‌پردازد و آن‌ها را وادار به اتخاذ رفتاری متناشب با منافع ملی خود می‌نماید. تنبیه ایران در اشکال «ترور ضد علمی»، تحریم‌های فراملی و فشارهای جهانی شکل دیگری از بهره‌مندی این کشور از دیپلماسی علمی برای افزایش قدرت نرم آن در تقابل با ایران اسلامی است. همچنین ایالات متحده برآن است که با ایجاد تعامل میان دانشمندان ایرانی و آمریکایی در قالب‌های دیپلماسی عمومی به شکل ارائه مبانی و داده‌های آموزشی و علمی و جذب نخبگان علمی در چارچوب شهروندان ایرانی و دیاسپورای علمی، اطلاعاتی را در خصوص میزان رشد و توسعه علمی ایران کسب، ایده‌های رفتار ساز را به ویژه در بخش مسائل امنیتی از جمله محیط زیست از مبانی ارزشی خود متأثر و متناسب با آن سیاست خارجی و رفتار خود را به صورت هدفمند برای افزایش قدرت نرم خود تنظیم نماید. (Keyvan Hosseini. Bahrami.2021:91)

دانشمندان از پاییز ۱۹۴۵ در سیاست بین‌المللی تسلیحات اتمی درگیر شده‌اند، زمانی که بازماندگان پوژوه منهتن به رهبری دکتر جی رابرت اوپنهاইمر فیزیکدان سرشناس تلاش کردند دولت آمریکا را متقاعد سازند که امنیت جهانی به کنترل بین‌المللی مواد شکافت پذیر وابسته است. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، سیاست‌گذاران ایالات متحده نقش رسمی تری را برای دانشمندان در روابط بین‌الملل تجربه کردند و وابسته‌های علمی و مشاوران فنی را در سفارتخانه‌های کلیدی به کار گماردند. دانشمندان آمریکایی در مذاکراتی که پیمان قطب جنوب در سال ۱۹۵۹، معاهده منع آزمایش جزیبی در سال ۱۹۶۳، معاهده محدودیت تسلیحات استراتژیک (salt) در سال ۱۹۷۲ و موارد مهم دیگری مانند توافقنامه هسته‌ای با ایران-برجام ۲۰۱۵- شرکت نمودند. ارنست مونیز، وزیر انرژی آمریکا و علی اکبر صالحی، رییس سازمان انرژی اتمی ایران در سال ۲۰۱۵، برای بحث درباره‌سانترفیوژها ساعت‌ها با هم گفتگو کردند که به رسیدن به توافق میان گروه ۱+۵ و ایران بسیار کمک کرد. در زمان همه‌گیری کرونا، واکسن روسی اسپوتنیک، در روسیه با کیفیت بالایی تولید



و به کشورهای مختلف دنیا صادر شد. به رغم ماهیت علمی رویدادهایی مانند همه‌گیری کووید-۱۹ و بحران اقلیمی و گرم شدن زمین، واکنش عمومی و دولتی اغلب "علم" را در دل سیاست قرار می‌دهد. این مشکلات تغییر رویکرد اتخاذ شده به سمت دیپلماسی علمی را ضروری می‌نماید. توافق هسته‌ای برجام، همه‌گیری کرونا و بحران تغییر اقلیم نشان داده است که علم در دنیای مدرن به طور فزاینده‌ای اهمیت پیدا می‌کند و مشکلاتی هستند که بدون توجه به مرزها یا منافع ملی، کل جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. دیپلماسی علمی با در اختیار داشتن بخش کلیدی راه حل این مشکلات و با تأکید بر همکاری فرامرزی، موقعیت منحصر به فردی را برای ایفای نقش ستاره در سال‌های آتی دارد. مشروط بر اینکه خود را با شرایط متغیر ژئوپلیتیک تطبیق دهد. دورانی که علم بین الملل بدون توجه عمده به صحنه سیاسی کار می‌کرد، گذشته است. در عوض، به نظر می‌رسد علم به طور فزاینده‌ای در اطراف بلوک‌های سیاسی ادغام می‌شود به جای آن‌که کاملاً آزادانه عمل نماید. رویدادهای تاریخی مانند توافقنامه برجام ۲۰۱۵ و مسابقه فضایی آمریکا و شوروی در دهه‌های ۶۰ تا ۸۰ میلادی نشان داد که رقابت گاهی اوقات می‌تواند برای رشد علم مفید باشد. (Etemad.2023)

و با این تفاسیر کارویژه‌های دیپلماسی علمی در پرونده هسته‌ای ایران از این قرار است:

(الف) حساسیت‌زدایی از روابط سیاسی - امنیتی: همکاری در حوزه علمی، در شاخه‌های مختلف نظری و عملی، این امکان را به کنشگران در سیستم جهانی می‌دهد که فراتر از مرزهای ملی و هویتی خود ایفای نقش نمایند و تعاملات را در این فضا تحت تأثیر قرار دهند میزان رشد علمی یک کنشگر، انگیزه آن از ایجاد تعاملات علمی، نقش ارزش‌ها و ایدئولوژی در ایجاد و مدیریت رفتارهای بین‌المللی و همچنین امکان فعالیت با توجه به سرمایه‌های مالی و روحیه علم‌طلبی در میزان فعالیت کنشگران آن کشور در این فضای درهم شده تعاملاتی نقش دارد و به میزانی که کشور بتواند داده علمی و تکنولوژی به دنیا ارائه دهد و در این معنا از نخبگان علمی خود حمایت کند به همان میزان نیرو برای افزایش قدرت نرم در غالب جذابیت، مشروعیت و ایفای نقش جهانی دارد و در این وضعیت، اجرای نقش توسط بازیگران غیردولتی و کنشگران فراملی این امکان را به واحدهای سیاسی می‌دهد که فراتر از ابعاد تنش سیاسی - امنیتی، روابط خود را در بخش‌های غیررسمی ایجاد و ضمن حساسیت‌زدایی از تعاملات، امکان برقراری روابط رسمی را فراهم نمایند. حساسیت‌زدایی از روابط سیاسی امنیتی به معنای کاهش تنش‌ها و افزایش همکاری‌های سیاسی و امنیتی بین کشورها می‌باشد که در این امر به وسیله دیپلماسی علمی می‌تواند ایجاد گردد (Keyvan Hos- 96-95:2021 Bahrami seini) در مقابل استدلال می‌شود که فقدان همکاری اقتصادی و تجاری میان ایران و آمریکا در دوره پسابرجام به عنوان عاملی کلیدی، خروج یکجانبه آمریکا از برجام را تسهیل کرد و نشان داد که عدم ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی، زمینه‌ساز بازگشت به فضای تنش می‌شود (Shojaee.2022:174)

(ب) فرصت‌سازی برای نقش‌آفرینی نخبگان علمی و دانشگاهی: با توجه به اثرگذاری علم در همه جنبه‌های زندگی، امکان تعامل میان بازیگران متعدد فرو ملی، ملی و فراملی ناشی از انقلاب را در تأملات، ظرفیت‌های تعامل سازی گسترده علم با توجه به اثرگذاری بر نوع تعاملات، معرفی و ارائه مناطقی نوین، گسترش دامنه فعالیت انسان در قالب‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فناوری و... و همچنین ایجاد اشتراک در معانی

و کنش، برقراری دیپلماسی علمی می‌تواند فرصتی برای نقش‌آفرینی نخبگان علمی و دانشگاهی در سطوح مختلف افقی و عمودی، متأثر از قدرت نرم علمی، می‌تواند با تعمیق تعاملات، تبادل ایده‌ها، ایجاد آگاهی و درنهایت تکوین تصویر مطلوب از یکدیگر زمینه‌ساز پدیده سرریز همکاری شود. برجام که خود حاصل دیپلماسی آکادمیک و تلاش نخبگان طرف‌های درگیر در موضوع بود در بازه زمانی کوتاهی که عملیاتی شد موجب حذف موانع بین‌المللی گردید و امکان حضور دانشمندان و دانشجویان ایرانی را در پروژه‌های بین‌المللی فراهم آورد و امکان همکاری با دانشگاه‌ها و مؤسسات بین‌المللی را گسترش داد و با افزایش همکاری با دانشگاه‌های خارج از کشور، دسترسی به منابع، تجارب و فضای آکادمیک گسترده‌تر گردید. که این امر نشان دهنده آن است دیپلماسی علمی در روابط ایران و غرب می‌تواند مثر باشد و آن‌ها را از فضای امنیتی ایجاد شده دور کند (Keyvan Hosseini.Bahrami.2021:97-98) اما با وجود ظرفیت‌های موجود، فاصله میان ادراک نخبگانی از سیاست خارجی و تاثیرگذاری واقعی آن‌ها بر تصمیم‌گیری‌ها، چالش اصلی پیش روی دیپلماسی علمی در ایران است (Pourramezan.Mohammadi.2025: 270)

ج) مخاطب سازی گروه‌های مرجع اجتماعی بر محور نیازهای تخصصی: علم و تعاملات علمی با ایجاد شفافیت در تعاملات و فضایی از تبادل داده‌های مختلف، ایجاد سازوکارهای همکاری، نظارتی و تضمینی و.. این فرصت را فراهم می‌آورد تا گروه‌های مرجع اجتماعی فارغ از سازوکارهای دولتی، بر محور نیازهای تخصصی و درواقع مقابله با چالش‌های امنیتی تعامل گسترده‌ای در عرصه فراملی داشته باشند درواقع فعالان حوزه علمی به‌عنوان نمایندگان بی‌طرف بر محور نیازهای تخصصی گرد هم می‌آیند تا به حل‌وفصل بحران‌هایی بپردازند که کنشگران رسمی نتوانسته‌اند به‌صورت یک‌جانبه در حل‌وفصل آن‌ها موفقیت چندانی کسب نمایند (Keyvan Hosseini.Bahrami.2021: 98-100) برجام به‌عنوان یکی از پیمان‌های بین‌المللی مهم در حوزه هسته‌ای، بر مخاطبان مختلفی تأثیرگذاری دارد. برای مثال دیپلماسی رسانه‌ای در دولت روحانی با تاثیرگذاری بر افکارعمومی جهان، توانست نگاه جامعه بین‌الملل را از یک تهدید امنیتی به یک فرصت همکاری تغییر دهد (Tajerian.Asadi.Eidi.2017:38) گروه‌های مرجع اجتماعی که در این زمینه تخصص دارند، می‌توانند با مخاطب سازی مناسب، اطلاعات لازم را به جامعه منتقل کنند. برای مثال، گروه‌های تحقیقاتی و دانشگاهی می‌توانند با برگزاری کنفرانس‌ها و سمینارها، نتایج تحقیقات خود را در حوزه هسته‌ای و برجام به اشتراک بگذارند. همچنین، گروه‌های فعال در حوزه حقوق بین‌المللی و قوانین بین‌المللی نیز می‌توانند با تبیین جزئیات پیمان برجام و حقوق و تعهدات طرفین، به جامعه اطلاعات لازم را ارائه دهند. به‌طورکلی، مخاطب سازی گروه‌های مرجع اجتماعی بر محور نیازهای تخصصی، می‌تواند به بهبود فهم جامعه از پیمان برجام و اهمیت آن در حفظ صلح و امنیت جهانی کمک کند که این امر نشان از آن دارد برجام به‌عنوان یک حرکت در حوزه دیپلماسی علمی توانسته است تأثیر مثبتی بر این روند داشته باشد و گسترش دیپلماسی علمی در سطح بالاتر به خارج شدن پرونده هسته‌ای ایران از بعد امنیتی و پررنگ شدن بعد سیاسی آن کمک خواهد کرد.

به طور کلی باید اذعان داشت که دیپلماسی بهترین راه کنترل روابط میان ایران و غرب در پرونده هسته‌ای ایران است و در این بین دیپلماسی علمی به عنوان ابزاری نوین در این جهت می‌تواند قابلیت قابل توجهی

داشته باشد که می‌تواند ذهنیت سازی های صورت گرفته نسبت به این پرونده به عنوان یک بحران امنیتی را کاهش دهد و این کشورها با استفاده از ابزارهای دانشگاهی و جذابیت های علمی و آموزشی خود، می‌توانند بیشترین مبادلات آموزشی را داشته باشند و از طریق برنامه های دیپلماسی آکادمیک مانند تبادلات دانشجویی و بورسیه های تحصیلی، پروژه های بین المللی آموزشی برای دیدارکنندگان خارجی، کنفرانس ها و سمینارهای دانشگاهی بر کاهش دیدگاه های امنیتی در پرونده هسته‌ای گام بردارند.

۸. نتیجه‌گیری

با افزایش اهمیت حوزه قدرت نرم در عرصه‌ی بین‌المللی سازوکارهای دیپلماسی عمومی و ازجمله دیپلماسی آکادمیک روزبه‌روز موردتوجه و کاربرد در حوزه‌ی سیاست خارجی کشورها قرار گرفت. دیپلماسی آکادمیک با اعمال نفوذ در عرصه‌های سیاسی، علم و فناوری، اقتصادی، حقوقی و ارتباطات توانایی تأثیرگذاری بالایی بر ارزش‌ها و فرهنگ‌های جوامع موردنظر را دارا می‌باشد. در عصر کنونی جاذبه علمی و توسعه‌ی اقتصادی و صادرات تولیدات ناشی از توسعه علمی بیش از هر عامل دیگری سبب جذب نخبگان دیگر کشورها و افزایش نفوذ در فرهنگ و ارزش‌های داخلی کشورهای جهان سوم و کشورهای هدف خواهد شد. بنابراین رشد و توسعه دیپلماسی آکادمیک در عرصه‌های گوناگونی می‌تواند سبب افزایش قدرت نرم و حوزه نفوذ سیاست خارجی کشور شود.

دیپلماسی آکادمیک زمین‌های قوی برای تغییر ابعاد سیاست خارجی کشورها از حالت غیر منعطف و قهری به حالت انعطاف‌پذیر را ایجاد کرد. درواقع با تکیه بر دیپلماسی آکادمیک می‌توان زمینه نفوذ در فرهنگ و ارزش جوامع و ایجاد تغییرات موردنظر در این عرصه‌ها را نمایان ساخت و جامعه را برای قبول اهداف موردنظر خود آماده ساخت. درواقع همان طور که پیش‌تر ذکر شد، به میزانی که فعالیت‌های علمی و داده‌های حاصل از آن در عرصه‌ی جامعه و حوزه‌ی آکادمیک موردتوجه و کاربرد قرارگرفته باشد و کشور از این نخبگان و داده‌های علمی آن‌ها استفاده به عمل آورد به همین میزان مشروعیت و جاذبه ایجاد می‌کند. همین مشروعیت سبب پذیرش تصمیمات کشور در سطح جامعه و سیاست خارجی خواهد شد و عمده تصمیمات امنیت زدایی خواهد شد. از طرف دیگر گسترش سطح دیپلماسی آکادمیک سبب افزایش نفوذ و فعالیت نخبگان و اندیشمندان هم در سطح کشور و هم در سطح بین‌المللی خواهد شد. همان طور که پیش‌تر گفته شد با افزایش داده‌های علمی نه‌تنها توسعه در درون کشور شکل خواهد گرفت بلکه این داده‌ها به خارج از کشور نیز ورود کرده و سبب ایجاد جاذبه از یک سو و نفوذ بر فرهنگ و ارزش کشور هدف نیز خواهد شد. در حیطه معاهده برجام نیز این حوزه نفوذ دیپلماسی آکادمیک نیز شکل گرفت که سبب نفوذ و فعالیت بیش‌ازپیش نخبگان در این حوزه و مطالعات آن‌ها بر روابط میان ایران و آمریکا شد.

با ورود نخبگان و عناصر حاصله از دیپلماسی آکادمیک می‌توان گروه‌های اجتماعی گوناگون را مخاطب قرار داده و ذهنیت را به سمت آماده‌سازی و حذف عناصر مخالف با راهبرد موردنظر آماده ساخت. به‌طورکلی باید به این نکته اذعان داشت که عناصر دیپلماسی آکادمیک نه‌تنها بر ایجاد زمینه‌های شکل‌گیری روابط دیپلماتیک تأثیرگذار می‌باشد بلکه درروند آماده‌سازی جامعه هدف برای پذیرش و امنیتی زدایی از

موضوعات موردنظر نیز مؤثر واقع خواهد شد و با تکیه بر اصول این شاخه از دیپلماسی می‌توان به نتایج موردنظر دست یافت. درواقع در ابتدا دیپلماسی برای علم شکل خواهد گرفت و زمینه‌های نفوذ علم و مجامع آکادمیک فراهم خواهد شد و در مراحل بعدی علم برای دیپلماسی شروع به فعالیت و نفوذ خواهد کرد. و در آخر علم در دیپلماسی به صورتی رابطه‌ای دوسویه به دنبال اهداف موردنظر خود راهبردهای مبتنی بر اصول این عرصه را در پیش خواهند گرفت که با پیاده سازی این موارد در جریان پرونده هسته‌ای ایران دیپلماسی علمی می‌تواند این پرونده را از بعد امنیتی خارج سازد و به سمت بعدهای سیاسی سوق دهد و باید به دیپلماسی علمی به عنوان ابزاری برای امنیت زدایی نگاه ویژه گردد تا بتوان پرونده هسته‌ای ایران را از روند کنونی خارج کرد به گونه‌ای که شرایط به نفع همه‌ی طرفین باشد.

References

1. Etemad Newspaper. (2023, May). "Science diplomacy: A path to resolving Iran's challenges" [In Persian]. Retrieved January 30, 2025, from etemadnewspaper.ir
2. Khani, M. H. (2005). "Cultural diplomacy and its position in foreign policy of nations" [In Persian]. Political Science Quarterly, 2(2).
3. Dehshiri, M. R., & Rouhani, S. M. (2018). "Internationalization of universities and its impact on science diplomacy: Case study of Imam Sadegh University (1982-2016)" [In Persian]. Journal of Political Science, 45, 27-53.
4. Dehshiri, M. R., & Taheri, M. (2016). "Educational diplomacy of Islamic Republic of Iran in Central Asia" [In Persian]. Central Asia and Caucasus Studies, 22(94), 1-42.
5. Dehshiri, M. R., & Taheri, M. (2017). "Mechanisms of U.S. academic diplomacy in attracting Iranian scholars (1978-2017)" [In Persian]. Cultural Studies Quarterly, 12(33).
6. Zamani, S. G., & Sadat Meydani, S. H. (2006). "UN Security Council performance on Iran's nuclear case: From referral to sanctions" [In Persian]. Legal Research Journal, 10, 5-54.
7. Saeedi, R. (2017). "Why new diplomacy emerged in the transforming global system" [In Persian]. International Relations Studies, 10(37), 105-136.
8. Simbar, R., & Ghorbani, A. (2009). "New diplomacy in foreign relations: Changing approaches and tools" [In Persian]. Foreign Relations Quarterly, 1(4), 43-61.
9. Kouhkan, A. (2022). "The position of science diplomacy in foreign policy: Recommendations for the 13th government" [In Persian]. Strategic Public Policy Studies, 12(Special Issue).
10. Kouhkan, M. R., & Bashir, H. (2020). "Science diplomacy as soft power: From global trade to native model" [In Persian]. Political Studies of the Muslim World, 10(4), 71-103.
11. Keyvan Hosseini, S. A., & Bahrami, Z. (2021). "Application of science diplomacy for peacebuilding in the Middle East" [In Persian]. Middle East Studies, 106, 87-109.
12. Keyvan Hosseini, S. A., & Bahrami, Z. (2019). "U.S. science diplomacy in interaction with Iran after the Islamic Revolution" [In Persian]. Islamic Revolution Studies, 59, 73-92.



13. Kayhan Newspaper. (2015, May 19). "IAEA inspections: The espionage nature" [In Persian]. Retrieved from <http://kayhan.ir/fa/news/45138>
14. Golshan Pajouh, M. R. (2008). Iran's nuclear case: Processes and perspectives (Vol. 4, 1st ed.) [In Persian]. Abrar Moaser International Cultural Research Institute.
15. Gohari Moghaddam, A., & Mohammadi Ramezani, M. (2019). "The role of changing U.S. strategic perception in its approach to Iran's nuclear case" [In Persian]. International Relations Research, 35, 7-28.
16. Moghimi, T., Arasteh, H. R., & Mohammadkhani, K. (2016). "A model for advancing science and technology diplomacy: An interdisciplinary study of higher education systems and foreign policy (Case study: K.N. Toosi University)" [In Persian]. Interdisciplinary Studies in Humanities, 8(4), 195-224.
17. Moradi Moghaddam, H. (2022). "Review of Iran's international scientific collaborations in the last 50 years" [In Persian]. Rahyaf Journal, 86, 21-32.
18. Montazeran, J. (2020). "IAEA and the repetition of securitization scenario for Iran's nuclear program" [In Persian]. Retrieved from <https://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1992555>
19. Naderi, M. (2015). "Constructivist analysis of Iran's foreign policy toward EU during Reform Era" [In Persian]. Globalization Strategic Studies, 6(16), 19.
20. Nourmohammadi, M., & Mohammadi Pour, T. (2018). Science diplomacy in Iran's upstream documents and how to interact with international organizations (Case study: CERN, TWAS, and ISESCO). Iranian Research Letter of International Politics, 7(1), 165-183. (in Persian)
21. Hersij, H., & Babri Gonbad, S. (2006). "Analysis of Iran's nuclear case based on movement theory" [In Persian]. Political-Economic Information, 233-234, 4-19.
22. Hatami, M., Ghanbari, K., & Azadbakh, F. (2026). Unilateral sanctions, crimes against humanity and world peace (Case study of US sanctions against Iran). Iranian Research Letter of International Politics, 14(1), 125-141. (in Persian)
23. Pourramezan, P., & Mohammadi, A. B. (2025). Evaluation of the role of think tanks in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran and their level of influence. Iranian Research Letter of International Politics, 13(2), 258-280. (in Persian)
24. Shojaee, M. (2022). The US withdrawal from JCPOA from the perspective of game theory. Iranian Research Letter of International Politics, 10(2), 159-178. (in Persian)
25. Tajerian, A., Asadi, A., & Eidi, F. (2017). Media diplomacy in nuclear negotiations: International community interaction with Rouhani's administration. Iranian Research Letter of International Politics, 5(2), 38-56. (in Persian)
26. Adam and Charlotte A. Lerg. (2015). "Introductory Remarks
Diplomacy on campus: the political dimensions of academic exchange in the North Atlantic". Journal of Transatlantic Studies, 2015 Vol. 13, No. 4, 299-310,
27. Beddington, J. (2010). Diplomacy for science. In New frontier for science (9-10). Quarterly

- Publication from the AAAS Center for Science Diplomacy. Retrieved from https://royalsociety.org/-/media/Royal_Society_Content/policy/publications/2010/4294969468.pdf
28. Fähnrich, B. (2015). Science Diplomacy - Investigating the Perspective of Scholars on Politics-Science Collaboration in International Affairs. Public Understanding of Science.
29. Miller, J., Celeste, R., & Jessica, R. (2013). Lessons in academic rescue: An international higher education response in post-war Iraq. Journal of Science & Diplomacy, 2 (3). Retrieved from http://www.sciencediplomacy.org/files/lessons_in_academic_rescue_science_diplomacy.pdf
30. Mohd Shah, R., & Hashim, R. (2012). Advancing Antarctica science diplomacy beyond traditional boundaries in developing environmental protection law. IEEE Symposium on Business, Engineering and Industrial Application, 12, 452-457, doc 978-1-4577-1634-8/12
31. ŞEHİTOĞLU Recep, Bedia TEKİN, Oguz GÜNER. (2023). «Hacettepe Üniversitesi Eğitim Fakültesi Dergisi Hacettepe University Journal of Education». Hacettepe Üniversitesi Eğitim Fakültesi Dergisi (H. U. Journal of Education) 38(3), 399-410
32. E.Saaida, Mohammad B.(2023) The Role of Soft Power in Contemporary Diplomacy. International Journal of Research Publication and Reviews. No 4. Pp 3119-3130
33. Gallarotti, M. Giulio.(2022). Esteem and influence: soft power in international politics. JOURNAL OF POLITICAL POWER. NO 3. 383-396.
34. InternationalRelation.org.(2000) Soft Power. Accessible in internationalrelation.org. Access Date 9April 2025
35. Nye, Joseph (2017) Soft power: the origins and political progress of a concept. Palgrave communications. Pp 1-3